



حقوق اخوان – قسمت اول: کلیات

از تمایزات شیخیه با سایر مکاتب، تأکید ایشان بر حقوق اخوان است که آن را در اصول دین خود گنجانیده و رکن رابع ایمان خود میدانند.

از این جهت خوب است که طی چند مطلب پیرامون اخوان و انواع و حقوق هر کدام بخوانید، چرا که اعتقاد به آن اهم از توحید، نبوت، امامت و بزرگان شیعه بوده و عمل به آن افضل از تمامی عبادات و شرایع است. زیرا حقوق اخوان میثقی است که اگر با شرایط ذیل الذکر آن در هر جمعی از دو نفر گرفته تا به جمعیتی برابر تمام جهانیان به آن عمل کنند، موجب تعالی و خیر و برکت و آبادانی در دنیا و آخرت ایشان خواهد بود و همچنین تهاون به آن، موجب ظهور نفاق و تفرقه و خرابی دنیا و آخرت خواهد شد. و هر آنچه از شکست و افول مسلمین و مؤمنین در دنیا و آخرت ایشان میبینیم همه از عمل نکردن به آن و زیر پا گذاشتن این اصل است.

پیش از ورود به مطلب، در این قسمت به ذکر کلیاتی خواهم پرداخت که فهم سایر مطالب را تسهیل میکند:

1- خداوند احد، برای خلق خود یکپارچگی و وحدت را میپسندد چرا که اینگونه به او شبیه تریم و از این جهت ایشان را مجتمع و امتی واحد قرار داد چنانکه میفرماید **وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً** و حیات و تعالی انسان را وابسته به اجتماع نمود و برای هر اجتماعی نذیری قرار داد و حقوق و قوانینی برپا ساخت تا با برادری به غایت خلقت خود برسند.

اما پس از نقض آن حقوق و قوانین در هر اجتماعی، اختلاف و تفرقه پدید آمد و خلاف خواست اولیه خداوند صورت گرفت چنانکه میفرماید **وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ** و به همان حقوق ایشان را مورد آزمایش قرار داد، چنانکه میفرماید **وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمْلَانِ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ** و میفرماید **وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ**.

و از این جهت است که مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه پیرامون این امر میفرماید:

این باب شکننده پشتهاست و باطلکننده عملهاست و اظهارکننده نفاقهاست و فاشکننده کفرهاست و جدائی اندازنده میان مجتمعات است و جمعکننده میان متفرقان است... و مضامین این باب مشکلتر از جمیع اصول دین و جمیع فروع دین است و آزمایش بزرگ خداست و غرض از کل همین است و دیگر خدا را حاجتی بخلق و اعمال خلق نبوده و نیست... و کتب نازل نشده و رسل فرستاده نشده مگر برای این و چون این عمل را ترک کردهاند هیچ عمل از اعمال ایشان قبول نمیشود و هیچ دعا از دعاهای ایشان مستجاب نمیشود و بلایا احاطه کرده است بایشان و ثمر هیچ طاعتی را در دنیا و آخرت در نمی یابند.

2- همانگونه که در مطالب دیگر اشاره کرده ایم، برای ما سه نوع پدر و مادر است.

اول پدر و مادر عقلی است که پدر و مادر روح الایمان ما میباشند، و ایشان محمد و آل محمد علیهم السلام هستند چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود **انا و علی ابوا هذه الامة**، و خیال نکنید که در امت پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمن و غیر مؤمن بود چرا که خود فرمودند **جماعة امتی من کان علی الحق و ان قتلوا یعنی جماعت امت من کسانیند که بر حق باشند اگر چه کم باشند، لذا کفار و منافقین امت واقعی آن حضرت محسوب نمیشوند.**

دوم پدر و مادر نفس اماره و روح النفاق ما هستند اعنی اولی و دومی که خداوند پیرامون ایشان میفرماید **وَ اِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا**.

و سوم پدر و مادر جسمانی ما می باشند که جسم ما از ایشان تولد یافته.

حال هر کس از هر رتبه از والدین ما تولد یافته باشد قرابتی با ما داشته و به نسبت آن مرتبه برادر محسوب میگردد، و قطعا قرابت و برادری روحانی نسبت به برادری جسمانی، اصل و استحکام و دوام بیشتری دارد چرا که دنیا دار اعراض است و چیزهایی بهم پیوند میخورد که در حقیقت منافات و ضدیت کلی باهم دارند، مانند آنکه زن هر کسی از نفس او و مطابق او باید باشد (خداوند میفرماید **وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا** و میفرماید **الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ الْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ**

الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ) در حالی که میبینیم ائمه و انبیاء علیهم السلام زنان منافق و کافر داشته و چه بسیار امثال فرعون که زن مؤمن داشتند و این چنین است فرزندان، چنانکه خداوند به نوح علیه السلام پیرامون فرزندش فرمود که **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ** و یا در مورد فرزند خلیفه اول فرمودند که نگویید محمد بن ابی بکر و بگویند محمد بن علی و تمام اینها نیست مگر از بی اعتبار بودن انساب دنیای جسمانی.

به هر حال قرابت های روحانی و عوالم عالی چنین نبوده و نسبت هایی است حقیقی، و شباهت اخوان آنجا هفتاد مرتبه بیشتر و اعظم از اتصال و شباهت های اخوان جسمانی است.

3- چنانکه در این دنیا برادران رضاعی هستند که به قرابت سببی برادر محسوب میگردند، (یعنی به سبب آنکه در ظاهر گوشت و پوست ایشان با ما از یک شیر روییده برادر محسوب میگردند) در مراتب عالیه نیز اخوان رضاعی داریم و ایشان کسانی هستند که یا از فرزندان ایمانند اما به پدر و مادر کفر و نفاق رجوع کرده و از پستان خبیث آنها شیر کفر و نفاق و علوم و اخلاق ناپسند را خورده و صورت تشکیل داده اند و یا از فرزندان کفرند که به پدر و مادر ایمان رجوع کرده و شیر علوم و اخلاق طیب را خورده و ظاهر خود را به آن آراسته اند، و به این سبب در زمره مؤمنین بوده و برای ایشان به مقدار شیری که خورده اند حرمت ظاهری و حقوق عارضی پیدا می شود.

در مجموع بنا بر آنچه عرض شد، اخوان بر سه نوعند، یکی مومنین محض که هم از والدین ایمانند و هم از ایشان شیر خورده اند که به ایشان **اخوان** ثقه گفته میشود و حقوق عظیمی دارند چرا که حرمت ایشان حرمت خداست و تضييع حق ایشان تضييع حق خداست ، و دیگر **اخوان** مکاشره اند که یا از والدین ایمانند اما از والدین کفر و نفاق شیر خورده اند و یا از والدین کفر و نفاقند اما از والدین ایمان شیر خورده اند، و برای هر نوع، حقوقی است که عدم رعایت آن قطع رحم محسوب شده و مورد لعنت خداوند واقع میشود هنگامی که میفرماید **فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ .**

4- تفاوت معتقدین به رکن رابع با سایر افرادی که حقی از کسی ادا میکنند این است که، بیشتر مردم عمل نیک ایشان بهوای نفس، اغراض شیطانی و عادات و طبیعت هاست. چنانکه شاهدیم بیشتر امور خیری که در جامعه نسبت به سایرین انجام میشود یا به چشم معامله است که خیری به کسی برسانیم تا او نیز وقت دیگر به ما خیر برساند یا شری را دفع کند، و یا به ریا و سمعه است و یا مثلاً دموی مزاج است که نوع دوستی و سخاوت و اخلاق نیکو خاصیت طبیعت اوست و در صورت تغییر مزاج اخلاقیات او نیز تغییر میکند و یا تنها به کسی خیر میرساند که با طبیعت او سازگاری دارد و یا از محبت های حیوانی است که خویشاوندان بهم دارند.

به هر حال معتقد واقعی به رکن رابع خدمت خود را به خداوند میبیند و برضای او خیر یا شر میرساند، چنانکه اگر برادر ایمانیش موجب کشته شدن پدر و پسرش شده باشد باز هم او را دوست داشته و خیرخواهی میکند و اگر پدر و پسرش ایمان نداشته باشند، به مقداری که خداوند فرموده حقوقی را رعایت میکند و الا محبت و خیر خواهی واقعی نخواهد داشت.

ان شاء الله در قسمت های بعدی این نوشتار با ما باشید تا به شرح حقوق هر کدام از اخوان پردازیم.